

رضا مختاری اصفهانی

# مطهری مصلح یا انقلابی

در گفتگو با

عزت‌الله سبحانی

عبدالمجید معادیخواه

علی اکبر معین‌فر

احسان نراقی

ابراهیم یزدی



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

## فهرست

۹	مقدمه
۱۳	عزت الله سبحانه
۳۵	عبدالمجید معادیخواه
۶۱	علی اکبر معین فر
۹۹	احسان نراقی
۱۱۳	ابراهیم یزدی

## مقدمه

مرتضی مطهری در حوزه علوم دینی، به عنوان فقیه، شارح فلسفه ارسطویی - صدرایی و خطیب شناخته می شود. بر مبنای همین وجوه، در خارج از حوزه علوم دینی و به ویژه در حوزه سیاست و اجتماع هم اصولگرا بود، هم انقلابی و مصلح. او با آنکه خاستگاه خراسانی داشت، بالیده حوزه علمیه قم بود. در دوره پس از آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم آمد و شاهد حوادث پس از شهریور ۱۳۲۰ در این شهر بود. از درس آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی بهره مند شد، اما برخلاف دوست و همدرس اش، شیخ حسینعلی منتظری، در قم اقامت نگزید. مطهری به تهران، مرکز ثقل حوادث سیاسی و اجتماعی، رهسپار شد؛ هجرتی که او را در مسیر تجربه های جدید قرار داد. اگرچه ارتباط خود را با قم نگسست، اما ارتباطش با آن بیشتر به جهت تدریس در دارالتبلیغ آیت الله سید کاظم شریعتمداری بود. مؤسسه دارالتبلیغ در آن زمان، مرکزی دینی با ایده ها و روش های نو بود که با مدارس سنتی دینی متفاوت می نمود.

مطهری در تهران با محافل و مجامعی متفاوت از قم محسوس شد. در روزگار تلاطمات سیاسی و اجتماعی کشور، با جوانانی مرتبط شد که در باره حیات دینی خود سؤالاتی داشتند. مرتضی مطهری با این جوانان وارد تعامل شد. خطیب محافل و مراسمی شد که در آن ها گفتگو به جای تک گویی حاکم بود. اندیشه و نظرش در محک این تجربه صیقل خورد. هر چند در بعضی موارد بر آنچه اعتقاد داشت و می اندیشید، استوار تر شد. چنانچه با انتقاداتی که به نهاد روحانیت داشت و بخشی

از آن را در مقاله‌اش با عنوان «مشکل اساسی در سازمان روحانیت» در کتاب «بحثی دربارهٔ مرجعیت و روحانیت» ابراز کرد، اما در واگذاری مرجعیت فکر دینی به روشنفکران دینی یا سهیم ساختن آنان مقاومت کرد. این مقاومت به رویارویی او با مهم‌ترین نماد روشنفکری دینی، علی شریعتی، انجامید. این در حالی بود که دربارهٔ مهدی بازرگان، دیگر ستون روشنفکری دینی، نگاهی همراه و مداراجو داشت. مطهری با وجود انتقاد به کتاب «راه طی شده» اثر بازرگان، در انتقاد از شریعتی او را با خود همراه ساخت و به پیشنهاد مطهری بود که بازرگان به سمت نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب برگزیده شد.

مطهری اما بسیار زود از صحنهٔ جمهوری اسلامی غایب شد. ترور او به دست گروه فرقان - که مدعی میراث‌داری علی شریعتی بود - جدالی را عیان کرد که در کوران حوادث انقلاب به فراموشی سپرده شده بود. اقدامات گروه فرقان اما نشان داد آنان بیش از آنکه به شریعتی معتقد باشند، با کارگزاران انقلاب عناد دارند. گونه‌گونی قربانیان آنان خود دلالتی بر این نظر است. البته گروه‌ها و افراد دیگر مرتبط با شریعتی در دههٔ شصت تحت تأثیر حوادث و نزاع‌های سیاسی منزوی و محبوس شدند، اما جدال اصلی را می‌توان در حزب جمهوری اسلامی جستجو کرد. این حزب که به‌طور پنهان دچار نزاع هواداران مصدق و کاشانی بود، به‌مرور گرفتار دوگانهٔ مطهری - شریعتی شد. این دوگانه بیشتر بهانه و دستاویزی برای راستگرایان حزب بود. چه آنان کمترین نسبت را با اندیشه‌های مطهری داشتند. مقصود آنکه در لوای این دوگانه‌سازی، روایات مربوط به مطهری دچار اغراض سیاسی شدند. آنچه از او گفته شد، بیش از آنکه روایتی تاریخی باشد، روایتی پسین بود. در حالی که بسیاری از سخنرانی‌ها و گفتارهای مطهری در محافل روشنفکری دینی بیان شده بود، این قرابت انکار و بخش‌هایی از زندگی او در اثبات این انکار برجسته شد. تاریخ حسینیّه ارشاد یا ناقص روایت شد یا دچار تقطیع و تحریف گردید. نیت‌خوانی‌ها جایگزین واقع‌نگاری‌ها شد. از همین رو، در بازخوانی میراث مطهری برای جمهوری اسلامی آشفستگی و مغالطه حاکم گردید.

در پنج مصاحبه‌ای که در این کتاب آمده، سعی بر احتراز از چنین تصویرسازی است. تصویری که در پنج قاب فراهم آمده است. پنج قابی که با وجود شباهت‌هایی در برداشت‌های این افراد، حاصل نگاه و دنیای این آدم‌هاست. ثبت این روایات لازمه مستندنگاری درباره شخصیت‌های تاریخی است و ناگفته پیداست این روایات بایستی در محک روایات متعدد و منابع دیگر همچون اسناد قرار گیرند. عزت‌الله سبحانی، عبدالمجید معادیخواه، علی‌اکبر معین‌فر، احسان نراقی و ابراهیم یزدی راویان برهه‌هایی از زندگی آیت‌الله مطهری و تجربه‌هایی از اندیشه و نگاه او در گذر زمان هستند. از تعامل مطهری با روشنفکران دینی، پایداری او در اعتقاداتش در بعضی مواقع و رواداری یا اصولگرایی‌اش سخن گفته‌اند. آنچه در این پنج قاب به‌طور نسبی وجود دارد، نگاه عاری از توجیه امروز با تمسک به مطهری است؛ نگاهی که در تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک انقلاب ۵۷ غایب است - در حالی که تاریخ‌نگاری برای تصویرسازی گذشته به روایات پیشینی نیاز دارد نه روایات پسینی برای توجیه امروز.

با آنکه محور این پنج مصاحبه شخصیت آیت‌الله مطهری و مشاهدات و تجربیات این افراد از حوادث پیرامون اوست، به اقتضای خاطره‌گویی، روایات حاشیه‌ای نیز گفته شده است. این روایات هم از نکته‌ها و نوگفته‌هایی مهم برخوردارند که بخش‌هایی از تاریخ معاصر و انقلاب ۵۷ را در بر می‌گیرند. چهار تن از این افراد، به جز حجت‌الاسلام معادیخواه، به دیار باقی شتافته‌اند. آرزوی رحمت الهی برای آن سفرکردگان دارم و امید که حجت‌الاسلام معادیخواه دیرسالی بزید. با توجه به چهل‌سالگی فقدان آیت‌الله مرتضی مطهری، لازم است چنین قاب‌هایی از تصویر او بیشتر شود تا او را تنها در قاب‌های رسمی به نظاره ننشینیم؛ قاب‌هایی که تمام وجوه شخصیتی و فکری او را نمایندگی نمی‌کنند. باشد که چنین باد.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از اسماعیل حسن‌زاده، مدیر بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، و جواد ماه‌زاده، برای همراهی در انتشار این مجموعه شکر و سپاس داشته باشم. همچنین یاد و سپاس از علی ملیحی، دبیر تاریخ نشریه اندیشه پویا،

دارم که بخش‌هایی از این مصاحبه‌ها را در این نشریه به چاپ رساند و برای انتشار متن کامل آن‌ها به صورت کتاب تشویق و ترغیب کرد. همراهی‌ها و صبوری‌های همسرم، سمیه افشاریان مقدم، و دخترم، ترنم، با وجود سن کمش نیز ناگفتنی است. امید که حاصل این همراهی‌ها برای تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم درخور باشد.

رضامختاری اصفهانی

اسفند ۱۳۹۷